

گذر

مؤلف:

عباس پاینده نجف آبادی



انتشارات بینش آزادگان

نام کتاب: گذر

مؤلف: عباس پاینده نجف آبادی

ناشر: بینش آزادگان تلفن: ۴۴۰۱۲۸۳ - ۵۵۹۶۹۰۰

نوبت چاپ: اول

تاریخ نشر: ۱۳۸۵

طراح جلد: رامین بیاتی

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۲۰

لیتوگرافی: گلبن

چاپ: کیمیا

صحافی: بابک

ویراستار: صدیقه کلانتر نیستانی

حروفچین: شهربانو منصوری خدایی

ناظر فنی و مدیر تولید: محمد صابری ابوالخیری

قیمت: ۴۰۰ تومان

ISBN: 964-7722-27-3

شماره شابک: ۹۶۴-۷۷۲۲-۲۷-۳

پاینده نجف آبادی، عباس

گذر / مؤلف عباس پاینده. - - بینش آزادگان، ۱۳۸۵،
۱۲۰ص.

ISBN: 964-7722-27-3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. داستانهای فارسی - - قرن ۱۴. الف. عنوان.

گ۴ ۸۴۵ الف / PIR ۷۹۸۳ ۳/۶۲ فا ۸

۱۳۸۵

۸۵-۱۴۳۲۵ م

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
۶	پیشگفتار:
۹	فصل اول: مأموریت ناممکن
۲۲	فصل دوم: شلین
۲۷	فصل سوم: گذر
۳۷	فصل چهارم: موجودات هندسی
۴۲	فصل پنجم: ماشین‌های ژله‌ای
۶۷	فصل ششم: تبدیل شده‌ها
۷۵	فصل هفتم: نیچینا
۹۴	فصل هشتم: سایه‌ها
۱۰۲	فصل نهم: قدرت نی
۱۱۳	فصل دهم: وصال

پیشگفتار

ن والقلم وما یسطرون

قسم به قلم و آنچه که می‌نگارد.

قدرت تفکر، موهبتی است که خداوند در وجود انسان به ودیعه گذاشته؛ تا او را از سایر موجودات این کره خاکی برتر و ممتاز کند.

ولی تفکر انسان تنها به چیزهای واقعی محدود نیست؛ و در امور ماورای نیز سیر می‌کند و علاوه بر تفکر، قدرتهای دیگری نظیر تصویر، تصور و خواب و... توسط خداوند برای ما انسانها به ودیعه گذاشته شده است.

نیروهایی که اگر نتوان آن را بالاتر از تفکر دانست؛ می‌توان هم‌تراز و هم‌ردیف با قدرت تفکر دانست. یکی از این نیروهای مرموز، که عامل سیر و سفرهای درونی و تجسم و مشاهده چیزهای غیر واقعی است، نیرویی نیست جز قدرت تخیل.

تخیل فراسوی تفکر و اندیشه است؛ یعنی غور و اندیشه به چیزی که وجود خارجی ندارد؛ بلکه قدرت ذهن آن چیز را ساخته است.

به بیان روشن‌تر یعنی خلق آثاری که در دنیای پیرامون شخص وجود ندارد؛ هرچند شاید بعدها به وجود آید و یا اینکه در جایی دیگر، وجود خارجی داشته باشد و یا اینکه هیچ موقع به وجود نیاید.

داستان زیر نمونه‌ای از سلسله داستانهای تخیلی می‌باشد.

داستانی که حتی اسامی موجوداتی که در آن بکار رفته، در حقیقت دریچه‌ای به سوی خیال باز نموده است؛ اسامی که در هیچ زبانی مأنوس نیست؛ هر چند به نظر من، هر اسمی دارای معانی خاص خود می‌باشد و شاید هم در زبانی معنایی برای آن در نظر گرفته شده باشد.

از آنجایی که در ادبیات داستانی پرمغز و ریشه دار ایران زمین چنین داستانهای تخیلی کمتر به چشم می‌خورد؛ بر آن شدم تا داستانی به این سبک و سیاق به رشته تحریر در آورم. در ضمن ذکر علت اصلی نگارش این داستان، را خالی از لطف ندیدم. از این رو به اختصار به شرح آن می‌پردازم.

مطلب زیر برای اینکه علت نوشتن این داستان برای شما خواننده عزیز بیشتر قابل درک باشد، به اصطلاح ذکرش، خالی از بهره نمی‌باشد.

اینجانب معتقدم تصویر و سینما نیز نوعی نویسندگی می‌باشد و تا چیزی نوشته نشده باشد یا بر روی کتاب و یا در ذهن، نقش نبسته باشد، نمی‌توان آنرا به تصویر کشید.

در دنیای امروز داستانهای تخیلی به خصوص فیلمهای تخیلی طرفداران زیادی را مجذوب خود کرده؛ جامعه ما نیز از این امر مستثنی نیست. بسیاری از افراد جامعه به طور حیرت آوری، مجذوب این نوع داستان‌ها و چگونگی ساخت آن شده‌اند.

نویسندگان و کارگردانان این نوع داستانها، بسیاری از عقاید درست یا نادرست خود را از طریق این داستانها و فیلم‌ها بیان می‌کنند؛ در حقیقت آن را بر جوامع دیگر تحمیل می‌کنند؛ به وضوح می‌توان آن را در فیلم‌ها و نوشته‌هایشان مشاهده کرد. که خود نوعی القاء فرهنگ است مخلص کلام، به علت اشاره شده، قدمی در طرح این نمونه از داستانها اما به نظر خودم به سبک ایرانی برداشتم و به دلیل علاقه هموطنان به این نمونه داستان‌ها؛ سعی شد تا حد ممکن با سبک و سیاق ایرانی به نگارش درآید. اکنون برای آشنا شدن ذهن شما خواننده عزیز در مورد این داستان کمی در موردش توضیح می‌دهم.

گروهی به اسامی سرتول، تیسوه و شنکا، از محیط خارج از زمین و در سفینه‌ای دور دست برای مأموریتی که از اصل آن خبر ندارند بر روی زمین فرستاده می‌شوند، بعد از متولد شدن بچه‌ای به نام شلین از دو نفر از اعضای گروه یعنی سرتول و تیسوه - که البته در طول داستان فهمیده می‌شود این دو در زندگی روی زمین و قبل از اینکه در آن سفینه باشند، با هم زن و شوهر می‌باشند و شنکا یا نفر سوم این گروه هم در اصل پسر آنها محسوب می‌شود (اینها به علتی که در داستان ذکر می‌شود تمام حوادث قبل از آمدن به سفینه را از یاد برده‌اند). - حوادث جالبتری برایشان رخ می‌دهد.

این گروه چهار نفری در طول مأموریتشان با موجودات و مکان‌های عجیب و خاصی روبرو می‌شوند و مجبور به گذراندن مراحل خطرناک هستند و بعد از گذراندن آن مراحل به.....

در این داستان سعی شده سختی‌ها و گرفتاری‌های انسانها در زندگی دنیوی، بوسیله گذر این گروه از هر مرحله‌ای به مرحله دیگر، به تصویر کشیده شود.

این گروه در تمام مراحل، با سختی‌های زیادی روبرو می‌شوند به گونه‌ای که در بعضی مراحل از ادامه دادن مأموریت منصرف می‌شوند؛ ولی اتفاقاتی که در طول سفر می‌افتد آنها را از نتیجه‌گیری‌شان منصرف کرده و نمی‌گذارد اینکار را بکنند تا اینکه..... بر آن شدم بعد از کلنجار زیادی که با خود رفتم، به علت اینکه اولین نوشته‌ای می‌باشد که می‌خواهم به چاپ رسانم، این داستان را چاپ نمایم و از افکار خود بقیه را آگاه نمایم.

قبل از خواندن کتاب گفتن این مطلب هم شاید به خوانندگان برای خواندن کتاب، کمک نماید، همانطوریکه در فهرست هم اشاره شده است، داستان در ده فصل که هر کدام مجزا از فصل دیگر می‌باشند، تقسیم بندی گردیده‌است.

سخن کوتاه، امیدوارم از خواندن این داستان، به نام گذر، لذت فراوان، برده و از خرید این کتاب پشیمان نگردید..

سلامت باشید و به امید روزگاری خوش برای شما عزیزان.

خرداد ماه ۸۵

عباس پاینده